



# عهد و گفتگو

## COVENANT & CONVERSATION



درس های پیرامون اخلاق  
ربای لرد جانانان ساکس



با سپاس از بنیاد Wohl Legacy برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو

### تفسیر هفتگی تورات

چه چیز را قربانی می کنیم؟

ویکرا

Vayikra: What Do We Sacrifice?

قوانین قربانی دادن در بخش های ابتدای سفر لاویان از جمله قوانین تورات هستند که امروزه بیشترین بیگانگی را با آنها داریم. دویست سال از ویرانی معبد دوم و لغو مراسم قربانی می گذرد. اما متفکران یهودی به ویژه عرفانی ترین آنها در درک معنای درونی قربانی ها و نقش آنها در مناسبات میان انسان و خدا می کوشند. بنابر این می توان روح این قوانین را حتی بدون اجرای عملی آنها بازیافت کرد. یکی از ساده ترین اما عمیق ترین این تفسیرها توسط ربی شنور زالمان اهل لیادی، نخستین ربّه لوباویچ بیان شده است: او متوجه یک نکته عجیب در خط دوم این پاراشا شد: "با بنی اسرائیل صحبت کن و بگو: وقتی یکی

از شما قربانی به پیشگاه خدا تقدیم می کند، قربانی باید از گوساله ها، گوسفندان یا بزها باشد." (لاویان ۱:۲)

این آیه را می توان با نظم دستوری معمولی خواند. اما نظم واژه ها در جمله عبری عجیب و غیرمنتظره است. ما انتظار داریم که آنرا چنین بخوانیم: *adam mikem ki yakriv* "وقتی یکی از شما قربانی تقدیم می کند." اما نظم کلمات این گونه است: *adam ki yakriv mikem* "وقتی یک نفر قربانی تو را تقدیم می کند."

جوهره قربانی از دید ربه شنور زالمان این است که ما خود را تقدیم می کنیم. ما توانایی ها، نیروها، افکار و عواطف خود را به خدا تقدیم می کنیم. شکل فیزیکی قربانی - چهارپا بر روی قربانگاه - فقط نمود یک عمل درونی است. قربانی واقعی *mikem* است یعنی قربانی از وجود تو. ما به پیشگاه خدا چیزی از خود را قربانی می دهیم.<sup>1</sup>

هنگام قربانی دادن در واقع چه چیز را به درگاه خدا قربانی می کنیم؟ عارفان یهودی (قبالایی ها) از جمله ربه شنور زالمان درباره دو نفس (نفس) که درون هر یک از ما هست میگویند: نفس حیوانی و (*nefesh habeheimit*) و روح خدایی. ما از یک سو موجوداتی فیزیکی هستیم. بخشی از طبیعت می باشیم. نیازهای فیزیکی داریم: غذا، آب، سرپناه. ما به دنیا می آییم، زندگی می کنیم و می میریم. به قول کتاب جامعه:

سرنوشت انسان مانند جانوران است. هر دو عاقبتی یکسان دارند: هر دو می میرند. هر دو یک جور نفس می کشند. انسان هیچ برتری بر جانوران ندارد. همه چیز تنها یک نفس گذرا است. (کتاب جامعه ۳:۱۹)

---

<sup>1</sup> Rabbi Shneur Zalman of Liadi, *Likkutei Torah* (Brooklyn, NY: Kehot, 1984), Vayikra 2aff.

با این حال ما فقط یک جانور نیستیم. ما درون خود گرایش های نامیرایی داریم. می توانیم فکر کنیم، سخن بگوییم و ارتباط بگیریم. ما از راه سخن گفتن و گوش دادن با دیگران ارتباط می گیریم. ما تنها شکل حیات شناخته شده در جهان هستیم که می تواند پرسد: چرا؟ ما می توانیم اندیشه بسازیم و با آرمان های بلند به حرکت درآییم. ما فقط زیر تسلط غریزه ها نیستیم. مزامیر ۸ در این باره پرسش می کند:

چون به افلاک تو می نگرم

کار سرانگشتان تو

ماه و ستارگانی

که تو برقرار ساخته ای

از خود می پرسم که انسان چیست که تو به فکرش باشی؟

اما او را اندکی پایینتر از فرشتگان آفریدی

و تاج شکوه و افتخار بر سرش نهادی.

او را فرمانروای همه کارهای دست خود ساختی؛

همه چیز را به پای او ریختی. (مزامیر ۴-۷:۸)

ما از نظر فیزیکی تقریباً هیچ هستیم؛ اما از نظر روحانی بال های ابدیت ما را لمس کرده اند. ما روحی خدایی داریم. طبیعت روانشناختی قربانی دادن این گونه آشکار می شود. آنچه ما به پیشگاه خدا قربانی می دهیم، نه یک حیوان، بلکه نفس حیوانی *nefesh habeheimit* درون خود ما است.

جزئیات درمورد قربانی ها کدامند؟ سرنخی در سه نوع حیوان در آیه ستر دوم پاراشای تزاو (لاویان ۱:۲) نهفته است: *beheimah*، *bakar* و *tzon* که هر یک نماینده خصلتی حیوانی در شخصیت انسان هستند.

*Beheimah* نماینده غریزه حیوانی است. این واژه اشاره دارد به حیوانات اهلی و غریزه های وحشی جانوران شکارچی را دربر نمی گیرد. به جانورانی اهلی تر مربوط است. جانوران وقت خود را صرف یافتن غذا می کنند. زندگی آنها یعنی نبرد برای بقا. قربانی کردن حیوان درون ما یعنی محرک ما چیزی بیش از بقا باشد.

وقتی از ویتگنشتاین پرسیدند که کار فلسفه چیست پاسخ داد: "به پشه نشان دادن راه پرواز به خارج از بطری"<sup>2</sup>. پشه وقتی درون بطری گرفتار می شود، سر خود را به دیواره بطری می کوبد تا راهی به خارج بیابد. تنها کاری که نمی کند این است که بالا را نگاه کند. روح خدایی درون ما نیرویی است که ما را به بالا نگرستن وامی دارد، به ورای دنیای فیزیکی، ورای بقا، در جستجوی معنا، هدف و دورنما.

واژه عبری *bakar* یادآور واژه بوکر یا سحرگاه است و در واژه به "شکافتن و عبور" اشاره دارد، همان گونه که نخستین پرتوهای آفتاب دل تاریکی شب را می شکافند. گله تلاش به عبور از حصارها دارد. اگر آنها را محصور نکنند، رعایت هیچ محدوده ای را نمی کنند. قربانی کردن *bakar* یعنی یاد بگیریم که محدوده را رعایت کنیم - محدوده میان مقدس و نامقدس، میان پاک و آلوده و میان مجاز و ممنوع. محدوده های ذهن گاه می تواند از دیوارها محکمتر باشد.

---

<sup>2</sup> Ludwig Wittgenstein, *Philosophical Investigations* (New York: Macmillan, 1953), p. 309.

واژه *tzon* نماینده غریزه گله ای است - محرکی قوی برای حرکت در یک جهت به دلیل آنکه دیگران دارند در آن جهت حرکت می کنند.<sup>3</sup>

شخصیت های بزرگ یهودیت، ابراهیم، موسی و انبیاء، دقیقاً از این نظر متمایز بودند که می توانستند تحت تاثیر توده های مردم نبوده، متفاوت باشند، بت های زمانه را به چالش بگیرند و تسلیم افکار و روش های رایج نشوند. این معنای تقدس در یهودیت است. *Kadosh* به معنای مقدس امری است که تفکیک شده، متفاوت و متمایز است. یهودیان، اقلیت مقدسی در تاریخ بوده اند که از درآمیختن با رسوم زمانه یا تغییر دین به ادیان غالب خودداری کرده اند.

واژه *korban* (قربانی) و فعل عبری *lehakriv* به معنای "تقدیم چیزی به عنوان قربانی" در واقع یعنی: "نزدیک کردن". عنصر کلیدی آن این نیست که چیزی تقدیم می شود (معنای معمول قربانی)، بلکه چنین است: آوردن چیزی نزدیک خدا. *Lehakriv* یعنی تقدیم عنصر حیوانی درون ما به عنوان قربانی برای آنکه در آتش الهی بسوزد؛ پیشتر قربانی در قربانگاه می سوخت، اما اگر ما در پی نزدیک شدن به خدا هستیم، باید همچنان قربانی در قلب فردی که تفیلاً می خواند (نیایش می کند) بسوزد.

یکی از شوخی های تاریخ این بوده که یک ایده باستانی ناگهان ایده ای معاصر می شود. داروینیسیم، رمزگشایی از ژنتیک انسانی و ماتریالیسم عملی (که می گوید همه چیز در دنیا مادی است) این نتیجه گیری را رایج ساخته اند که ما همگی حیوان هستیم، نه هیچ چیزی

---

<sup>3</sup> The classic works on crowd behaviour and the herd instinct are Charles Mackay, *Extraordinary Popular Delusions and the Madness of Crowds* (London: Richard Bentley, 1841); Gustave le Bon, *The Crowd: A Study of the Popular Mind* (London: T. F. Unwin, 1897); Wilfred Trotter, *Instincts of the Herd in Peace and War* (London: T. F. Unwin, 1916); and Elias Canetti, *Crowds and Power* (New York: Viking Press, 1962).

بیشتر و نه کمتر. ما با موجودات پیش از خود ۹۸ درصد ژنتیک مشترک داریم. دزmond موریس می گفت که "ما میمون برهنه هستیم".<sup>4</sup> از این دیدگاه، انسان هموساپینس (انسان امروزی) فقط در اثر یک اتفاق به وجود آمد؛ ما حاصل مجموعه ای اتفاقی از جهش های ژنتیکی هستیم که فقط برای ادامه بقای نوع ما و نه انواع دیگر رخ داده اند؛ نفس حیوانی تنها واقعیت موجود است.

رد این دیدگاه که تقلیل دهنده ترین دیدگاه های بشر تا کنون است، در تفسیرهای عارفان یهودی پیرامون قربانی نهفته است: ما قادریم غرایز حیوانی خود را به مسیر دیگری بیندازیم. می توانیم ورای حس بقا عمل کنیم و به محدوده ها احترام بگذاریم. می توانیم به خارج از محدوده آسایش خود گام بگذاریم. به گفته استیون پینکر، عصب شناس هاروارد: "طبیعت به ما دیکته نمی کند که چه چیزی را بپذیریم و چگونه زندگی کنیم." یا آن گونه که کاترین هیپورن در فیلم ملکه آفریقا با شکوه بسیار به همفری بوگارت گفت: "مستر النات! طبیعت چیزی است که روی زمین ما را درون آن قرار داده اند که از آن فراتر برویم."

ما می توانیم *tzon – the bakar-beheimah* را اعتلا دهیم. هیچ حیوانی قادر به تغییر خود نیست، اما ما هستیم. شعر، موسیقی، عشق و شگفتی چیزهایی هستند که هیچ ارزشی برای بقای جانوری ندارند، اما از ژرفترین حس وجودی ما سخن می گویند. به ما می گویند که ما فقط حیوان و مجموعه ای از ژن های خودپرستی نیستیم. ما با بردن حیوانی خود همچون قربانی به نزدیک خدا، دنیای مادی را با دنیای روحانی پیوند می دهیم و چیزی دیگری می شویم: دیگر برده طبیعت نیستیم، بلکه خدمتگزاران خدای زنده می باشیم.

---

<sup>4</sup> Desmond Morris, *The Naked Ape* (New York: Dell Publishing, 1984).

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



[www.RabbiSacks.org](http://www.RabbiSacks.org)



@RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • [info@rabbisacks.org](mailto:info@rabbisacks.org)

© Rabbi Sacks • All rights reserved